

لنین و تئوری انقلابی

(۱۷۹۵ - ۱۸۸۷)



او هم چنین طی زندگی خویش توانست تجارب سه انقلاب روس و جنبش وسیع جهانی کارگری، نخستین جنگ جهانی و جنگ داخلی را گرد آورد و تجارب را در خدمت ساختمان نخستین جامعه سوسیالیستی، در خدمت تکامل جنبش انقلابی جهانی و بطور کلی در خدمت تکامل تئوری انقلابی قرار دهد.

پس از مارکس و انگلس تئوری انقلابی آنها مورد مقلطه های فراوان چپ و راست و تحریف های بدعت آمیز و یا قشری قرار گرفته بود. لنین تئوری انقلابی مارکس و

بقیه در صفحه ۲

را با جدیت و دقت کم نظیری مطالعه کرده بود و به همین جهت بسیار زود قدرت اجتهادی شگرفی در مسائل بر اساس اسلوب تحلیل مارکسیستی نشان میداد. لنین هرگز زندگی علمی و نظری خود را از جدیترین زندگی عملی انقلابی جدا نساخت.

لنین برای آنکه بتواند آن مسائل مبرمی را که تاریخ جهان بمشابه رجل انقلابی و پیشوای توده های زحمتکش در برابرش نهاده بود عملاً حل کند، دارای کلبه تدارکات نظری و عملی لازم بود. وی از همان آغاز فعالیت اجتماعی خود مارکسیزم

قطعه نامه مصوب پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی در باره

جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری (ژوئن ۱۹۶۹)

و فعالیت هیئت نمایندگی حزب ما در این جلسه

جهان که از پنجم تا هفدهم ژوئن سال ۱۹۶۹ پس از تدارک طولانی و مراعات روح مشورت جمعی و دموکراتیک کامل در مسکو تشکیل شد بدون تردید حادثه برجسته ای در تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و کامیابی بزرگ این جنبش و مرحله مهمی در راه وحدت و همپوستگی جنبش کارگری و کمونیستی جهانی بر پایه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است. این جلسه موفق دنباله در صفحه ۵

سیزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش هیئت اجرائیه کمیته مرکزی را در باره تدارک و جریان جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیستی و کارگری استماع کرد و پس از بحث در پیرامون آن نتیجه گیریهای زیرین را تصریح میکند:

— ۱ —

جلسه تاریخی مشاوره ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران



اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیراً هیئت حاکمه ایران و مطبوعات وابسته به آن از نو کارزار تبلیغاتی شدیدی علیه حزب توده ایران برآه انداخته اند. این بار بیهانه حمله به تیمور بختیار نه تنها میکوشند حزب توده ایران را همدست و متحد وی جلوه دهند، بلکه با از این فراتر گذاشته حزب کمونیست عراق را نیز بهمکاری و اتحاد بارتیس سابق سازمان امنیت ایران و وساطت بین او و حزب توده ایران متهم میکنند و حتی با بکار بردن برخی کنایات و اشارات میخوانند پای بعضی از کشورهای سوسیالیستی را نیز بنحوی بیان کنند. مقامات حاکمه و مطبوعات دولتی ایران میکوشند با در آمیختن يك سلسله اخبار پراکنده و سر هم کردن پاره ای اسامی دنباله در صفحه ۲

مغلطه کاری رژیم

بحساب اعلامیه جهانی حقوق بشر

این حيله دزدان که برای گریز از دستگیر شدن، بلزد خیالی نهیب میزنند و با ذک «آی دزد! آی دزد» بلند میکنند، در کشور ما مشهور است. و این امر نیز که دولتهای ارتجاعی ایران در موارد معین از این حيله برای قلب واقعات و فرار از خشم مردم استفاده کرده اند بر کسی پوشیده نیست. ولی بدرستی میتوان ادعا کرد که بکار بردن این نیرنگ در مقیاس عمومی تبلیغاتی و میل ساختن آن به تاکنیک رسمی دولتی یکی از صفات میزده سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم کنونی ایران است. محیط خفقان، فقدان آزادیهای دموکراتیک و عدم امکان فعالیت علنی برای احزاب، اجتماعات و مطبوعات مخالف رژیم، زمینه مساعدی برای توسعه دامنه تبلیغات بر اساس این شیوه فراهم آورده است. در واقع مغلطه کاری زمامداران رژیم (از شاه و اعضاء خاندان سلطنت گرفته تا اعضاء دولت و مجلسین و مأموران عالیرتبه کشوری و لشگری) و جسارت در قلب حقایق از حدود مسائل داخلی تجاوز کرده و بعرضه بین المللی کشیده شده است. تنها صحبت از این نیست که گویا در نتیجه انقلاب ادعائی شاه و مردم و آن سیاست باصطلاح مستقل ملی، عدالت اجتماعی بمعنای تام و کامل خود در کشور ما برقرار شده و آزادی و رفاه مردم و استقلال کشور تأمین گردیده است بلکه سخن بر سر اینست که دنباله در صفحه ۴

تلگراف شادباش بمناسبت سالگرد ۲۱ آذر

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالگرد نهضت انقلابی خلق آذربایجان تلگرافی بشهر زور به سازمان ایالتی حزب توده ایران، کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان ارسال داشته است:

بناسبت بیست و چهارمین سال نهضت انقلابی خلق آذربایجان و جشن ۲۱ آذر خواهمشندید بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران درود های صمیمانه و پر شور ما را به عموم رفقای فرقه دموکرات، کمیته مرکزی فرقه و همه پناهندگان آذربایجان ابلاغ نمائید. بامید بر گزاری جشنهای پرشکوه آینده نزدیک در ایران، موفقیت فرقه دموکرات آذربایجان را در پیشبرد امور حزبی و میهنی آرزو نمیدیم.

در باره يك سند مهم

اخیراً مطبوعات شوروی تزه های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را تحت عنوان « برای صدمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین » منتشر کرده اند. چون ماهنامه مردم گنجایش درج ترجمه کامل این تزه را ندارد، در زیر خلاصه ای از آنرا به نظر خوانندگان گرامی میرسانیم. در آینده

پاسخ کمیته مرکزی حزب زحمتکش ویتنام به نامه تسلیت حزب ما

کمیته مرکزی حزب توده ایران!

رفقای عزیز!

از جانب حزب زحمتکش ویتنام، طبقه کارگر و مردم ویتنام از نامه تسلیتی که بمناسبت درگذشت رئیس جمهور محبوب ما رفیق هوشی مین ارسال داشته بودید عمیقاً سپاسگزاریم. باشد که هبستگی و دوستی بین دو حزب ما و خلقهای ما روز بروز بیشتر تحکیم و گسترش یابد.

کمیته مرکزی حزب زحمتکش ویتنام

ضمیمه مردم در تهران منتشر شد

شماره مهر ماه «ضمیمه ماهنامه مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران - تشکیلات تهران انتشار یافت. در این شماره شاد باش تشکیلات تهران بهمناسبت سالگرد تأسیس حزب توده ایران باین شرح منتشر شده است: «تشکیلات تهران - حزب توده ایران دهم مهر ماه سالروز پیدایش حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را به کمیته مرکزی، به رفقای حزبی و همه نیروهای ملی و مترقی ایران شاد باش میگوید و آرزو دارد با اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر در مبارزه ضد استبدادی و ضد امپریالیستی، پیروزی های باز هم بیشتری نصیب خلقهای ایران گردد»

سر مقاله این شماره یکی از مقالات شماره ۴۹ ماهنامه مردم است تحت عنوان: «نه انقلابیگری و نه تسلیم» که ضمن آن چنین خاطر نشان شده است: «زندگی بار دیگر ثابت کرد که هشیاری انقلابی و مشی انقلابی فقط از آن حزبی است که به خلق خود، به طبقه کارگر خود، به مارکسیسم-لنینیسم و به انترناسیونالیسم پرولتری وفادار بماند نه غوغای انقلابیگری و نه زاری تسلیم طلبی در اراده او تزلزل ایجاد نکند، قاطع و استوار و پیگیر از میان آتش دشمن و تیر مخالفان بگذرد و رسالت تاریخی خود را به انجام رساند. زندگی تأیید کرد که فقط حزب توده ایران چنین حزبی است.»

متن کامل وصیت نامه رفیق هوشی مین در شماره اخیر «ضمیمه مردم» درج شده و در پایان گفته شده است: «رفقای حزبی و خلقهای مین ما که درگیر مبارزه با امپریالیسم و ایادی آن هستیم، از ضایعه غم انگیز درگذشت رفیق هوشی مین سوگواری می‌کنیم. تشکیلات تهران-حزب توده ایران در این غم بزرگ خود را برادرانه شریک میدانند و از طرف تمام رفقای حزبی و همه زندانیان سیاسی و همه مبارزان ایران بخلق قهرمان و بی‌ثام تسلیم می‌گوید. پیروز باد مبارزه دلاورانه خلق و پیمان در راه که هوشی مین انتخاب کرد» در شماره «مهرماه» «ضمیمه مردم» اخباری از زندگی و شرایط کارگران بالایشگاه تهران، کوده پزخانه‌ها و کارگران ساختمانی درج شده. از مهم‌ترین این اخبار خبر اعتصاب کارگران برخی از کارخانه‌ها در تهران، اصفهان یزد و کرمان بمنظور اعتراض به تعیین حد اقل دستمزد از طرف وزارت کار است، (عین خبر در ماهنامه مردم شماره ۵۳ انتشار یافته است.)

خبر مربوط به اعتصاب دانشجویان هنرستان صنعتی نارمک نیز از جمله اخبار دیگر «ضمیمه مردم» است. در صفحه اول روزنامه شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» شماری که باید در پیرامون آن گرد آمد و استبداد و امپریالیسم را به خاک سپرد» چشم می‌خورد. در صفحه دوم با درج شعار: «هموطنان! زندانیان سیاسی بخاطر به زبستی تو و خانواده تو به بند کشیده شده‌اند. از خانواده آنان حمایت کن و برای آزادی شان از هیچ کوششی مضایقه مکن» از کلیه هم میهنان برای مبارزه در راه رهایی زندانیان سیاسی از زندان شاه و توجه به خانواده‌های آنان دعوت شده است.

انتشار منظم «ضمیمه مردم» در شرایط ترور پلیسی، موفقیت رزمندگان حزب ماسک، شعله‌ای است که به همه یونندگان راه آزادی و استقلال ایران گرمی می‌بخشد.

دنباله از صفحه ۱

در باره یک سند مهم

فصل اول - لنین بنیاد گزار حزب کارگری طراز نوین، تئوریسین و رهبر انقلاب سوسیالیستی. فصل دوم - سوسیالیسم تجسیم اندیشه‌های لنینسم. فصل سوم - لنینسم پرچم مبارزه خلقها علیه امپریالیسم برای تحول انقلابی جهان. فصل چهارم - در راه لنین بسوی کمونیسم.

در مقدمه سند کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، این نکته تصریح شده است که نام لنین همراه با سرتاسر یک دوران انقلابی تاریخ بشریت است. «لنین به مردم ترین مسائل تحول تاریخی پاسخ داده و تئوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را همه جانبه توضیح داده است. وی جنبش انقلابی روس و جنبش انقلابی جهانی را به تاکتیک و استراتژی علمی مجهز نموده و در رأس مبارزه طبقه کارگر برای تحقق اندیشه‌های سوسیالیسم قرار گرفته است... لنینسم مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتری، عصر فروپزختن کنونیالیسم پیروزی جنبش رهایی بخش ملی، عصر گذار بشریت از سرمایه داری بسوسیالیسم و ساختمان جامعه کمونیستی است... احزاب کمونیستی با تکیه بر ارثیه اندیشه‌های لنین کاری بزرگ و خلاق انجام می‌دهند و با سرسختی علیه ایده‌نولوژی بورژوازی معاصر علیه انحرافات راست و چپ مبارزه می‌کنند.»

در فصل اول تنها شرایط تشکیل حزب بلشویک و پیروزی انقلاب اکبر تشریح شده و آموزش لنین در باره حزب طراز نوین یاد آوری شده است «لنین و بلشویکها کوششهایی را که بمنظور تبدیل حزب به کلوب مباحثه و تشکیل فراکسیونها و گروههای مختلف بود محکوم کردند. آنها معتقد بودند که قدرت قاطع حزب در یکپارچگی و وحدت صفوف آن و مقاومت در برابر اقدامات نیست که انضباط حزبی و وحدت حزب را تضعیف مینماید. بعقیده لنین شرط ضروری موفقیت یک حزب مارکسیستی، مبارزه در دو جبهه علیه اپورتونیسم و رویزیونیسم هم از راست و هم از چپ است.»

در پایان این فصل کمیته مرکزی اعلام میکند: «انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر نخستین اقدام پیروزمندانه انقلاب سوسیالیستی جهانی است. انقلاب اکبر سبب سیاسی و اجتماعی یکدولت عظیم را بطور بنیادی دگرگون ساخت و جنبش رهاییبخش جهانی را بسطح عالیتری رساند. لنین میگوید این انقلاب راه پیشروی بسوی سوسیالیسم را به جهانیان نشان داد و به بورژوازی اعلام نمود که دوران تسلط وی پایان خود نزدیک میشود.»

در فصل دوم تره‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به مناسبت صدمین سالگرد تولد لنین از جمله گفته میشود: «در جامعه سوسیالیستی سازمان و مدیریت مبتنی بر اصول لنینی مرکزیت دموکراتیک است، اصولی که ترکیب

ارگانیک بین رهبری متمرکز و طبق نقشه و ابتکارات گسترش یابندهی محلی را در بر میگیرد...

ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم فقط تحت رهبری حزب مارکسیستی-لنینیستی با موفقیت انجام پذیر است»

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با یاد آوری از مبارزه ای که علیه کیش شخصیت و ذهنی‌گری نموده است خاطر نشان می‌سازد: «تضمین برای جلوگیری از بروز مجدد این پدیده‌های منفی، عبارتست از احترام دقیق بقوانین لنینی حیات حزب و دولت، بسط انتقاد و انتقاد از خود و اجرای منطقی اصول رهبری جمعی و ارتباط وسیع با توده‌ها». سپس در ترها گفته شده است که حزب هر کوششی را در جهت سوء استفاده از انتقاد کیش شخصیت بمنظور زبان رساندن بمنافع خلق و سوسیالیسم محکوم مینماید.

سند کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از یادآوری نتایجی که در ساختمان جامعهی سوسیالیستی بدست آمده است متذکر میگردد: «قول لنین در باره اینکه اهرم اساسی تأثیر سوسیالیسم در انقلاب جهانی عبارتست از سیاست اقتصادی آن و ایجاد مبانی اقتصادی جامعهی نوین که از لحاظ نیروهای مولد بر سرمایه داری تفوق دارد در مرحلهی کنونی مسابقه بین دو سیستم پیش از هر موقع دیگر فعالیت دارد.»

در مورد تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام میدارد که یکپارچگی سیاسی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی نیرو و قدرت هر یک از آنها را چند برابر میکند.

تره‌های مندرج در فصل سوم بویژه مبارزه ضد امپریالیستی و نبرد بخاطر تحول انقلابی جهان را مطرح مینماید. در این بخش خطوط اساسی سیاست خارجی شوروی بیان میگردد. هدف این سیاست عبارتست از تأمین همزیستی مسالمت آمیز که شرایط مناسبی برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را فراهم آورده و محیط مساعدی برای مبارزات رهایی بخش زحمتکشان همه کشورهای و ترقی اجتماعی و اقتصادی تمام خلقها را تأمین می‌کند. در عین حال همزیستی مسالمت آمیز منضمین مبارزه سیاسی، اقتصادی و ایده‌ئولوژیکی حاد بین سوسیالیسم و سرمایه داری، بین طبقه کارگر و بورژوازی است. همزیستی مسالمت آمیز بهیچوجه بمعنای صلح طبقاتی نیست و نمیتواند حق مقدس خلقهای اسیر را برای رهایی خود با توسل بتمام شیوه‌های مبارزه و از جمله مبارزه مسلحانه نفی کند.

در تره‌های مربوط به انترناسیونالیسم پرولتری، سند خاطر نشان می‌سازد که لنین ترکیب صحیح معیارهای ملی و انترناسیونالیستی را بعنوان مسئله مرکزی در فعالیت احزاب کارگری تلقی نموده است. انترناسیونالیسم پرولتری در شرایط کنونی اهمیت ویژه‌ای کسب میکند و بنیان اساسی ترقی اجتماعی و اتحاد تمام نیروهای انقلابی را برای

دنباله از صفحه ۱

اطلاعیه دبیر خانه . . .

ایرانی و عراقی، حزب ما را به جریان بختیار بچسبانند و از این راه بگمان خود با یک تیر دو نشان بزنند: هم توجه مردم را از جنایات فجیعی که رژیم کنونی ایران بوسیله سازمان امنیت، چه در زمان تصدی بختیار و چه پس از آن، علیه اعضا حزب توده ایران و دیگر مبارزان راه آزادی و استقلال کشور مرتکب شده است، متعریف سازند و هم سیاست عمیقاً مہین پرستانه حزب ما را دایر مبارزه در راه اتحاد کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک علیه امپریالیسم و رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی ایران، یعنی سیاستی که بر مبنای تحلیل اصولی و واقع بینانه اوضاع کشور قرار گرفته و دور از هر گونه ماجراجویی و تسام طلبی است خدشدار کنند.

روش ضد توده‌ای و ضد کمونیستی رژیم ارتجاعی ایران و گرداندگان آن تا زگی ندارد و اینان با اهمیت نقشی که حزب توده ایران در جنبش رهایی بخش ملی و در پیش و نشر اندیشه‌های انقلابی مارکسیسم-لنینیسم در میان توده‌های وسیع کشور ما ایفا کرده و میکند واقفند و از تأثیر عمیق این افکار چه در مبارزات برای حصول آزادیهای دموکراتیک علیه رژیم حکومت مطلقه و چه در برد استقلال طلبانه علیه امپریالیسم بخوبی آگاهند. به همین سبب است که با استفاده از محیط اختناق و تروری که بر کشور ما حاکم است، هیچ فرصتی را برای ایراد انواع اتهامات و جعل اکاذیب بمنظور حمله بحزب توده ایران از دست نمیدهند. در عین اینکه حزب ما را «متحله» میخوانند و چنین جلوه میدهند که گویا مدت‌هاست این سازمان سیاسی طبقه کارگر، کوچکترین تأثیری در سیر حوادث کشور ندارد و در حالیکه در مورد فعالیت مترقی و انقلابی حزب توده تعدا سکوت میکنند، آنگاه که سیاست بزرگک و فریب آنان اقتضا کند، حزب توده ایران را بانی «مبتکر یا الهام بخش جریان

تعرضهای آینده علیه مواضع امپریالیسم تشکیل میدهند... «همبستگی بین‌المللی ستون فقرات نهضت کمونیستی و کارگری بوده و هست.»

در آخرین فصل در باره ساختمان کمونیسم گفته شده است: حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام میدارد که امروزه اقتصاد شوروی بدرحله‌ای رسیده است که جهت اساسی آن تشدید تولید است. این امر مستلزم تغییرات عمیق کیفی در مجموع اقتصاد ملی و در هر یک از حلقات آنست. ساختمان کمونیسم متضمن استفاده وسیع از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی است که حامل تغییرات کیفی در تکنیک، در سازمان مدیریت و رهبری و خصصت فعالیت مشر انسانهاست. ساختمان کمونیسم متضمن تکامل تمام سیستم‌های مناسبات اقتصادی جامعهی سوسیالیستی است.

زندادان

دژ مبارزان

باز هم سازمان جهنمی امنیت عده‌ای از جوانان دانشجویی را زندان برده است، باز هم عده‌ای از کارگران را که حق خود را میخواستند در بند کرده اند، باز هم با تمام شکنجه‌ها، اعدام‌ها و تبعیدها هتت‌ای نیست که گروه تازه‌ای برندانان سیاسی نیوندند.

ورود مبارزان جدید زندانها، به زندانیان قدیمی که عمر خود را در زندانهای مختلف کشور گذرانده اند نشان میدهد که راه آنها ادامه دارد، که مبارزه بیایان نرسیده و خونین رزمندگان در اهتزاز است. با هر پورش جدید پلیس و دستگیری مهن پرستان، زندانیان قدیمی میبندند که راه آنها درست بوده و محرومیتی را که کشیده اند و می کشند بی اثر نبوده است و این مبارزه تا سرنگونی رژیم فاسد و دست نشاندۀ فعلی ادامه خواهد داشت.

امروز زندانهای ایران به آمو- زشگاه مبارزان تبدیل شده است، زندان و محرومیت و دوری از خانواده مبارزان را از پای نیشداخته است، آنها با فرا گرفتن علوم مختلف، با فرا گرفتن زبانهای خارجی، با نوشتن کتاب و ترجمه آثار خارجی بیش از پیش ماهیت رژیم شاه را که انسانهای با استعداد و با انرژی را پشت میل زندان نشانده است آشکار میسازند و همین انسانهای زحمتکش مجبورند با روزی ۱۶ ریال

جیره خشک زندگی نمایند، در گوشه سلول روی چراغهای نفتی غذای خود رابینند و با انواع محرومیت‌های دیگر بسوزند، دوا در زندان نیست، برای گرفتن یک قرص آنتی بیوتیک باید مدت‌ها در انتظار بود. ملاقاتها محدود است و کسانی که در زندانهای دور دست کشور زندانی اند از همین ملاقاتهای محدود نیز عملاً بر خوردار نیستند.

خانواده‌های زندانیان، بخصوص کسانی که سالهای متمادی است، نان آور خود را در پشت میله‌های زندان می بینند، زجر فراوانی میبرند وضع عده‌ای از خانواده‌ها بقدری بد است که زندانیان مجبورند از همین جیره ۱۶ ریال خود، چند شاهی پس انداز کنند و برای خانواده خویش بفرستند.

بیشتر زندانیان سیاسی در اثر شکنجه‌های که هنگام «بازجویی» دیده‌اند، در اثر بدی و کمی غذا، نبودن هوای کافی و وسایل بهداشتی و توجه پزشکی به بیمارهای گوناگون دچار شده‌اند و از مداوای آنها نیز خبری نیست. رفقای حزبی ما که از زمان کودتا



بمناسبت بیستین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان کمیته مرکزی حزب توده ایران قالیچه‌ای که هم طرح و هم بافت آن ثمره کار هنرمندان ایرانی است به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان هدیه نمود. قالیچه مزبور که تصویر آن در فوق مشاهده میشود توسط رفیق رحیم غنائی بافته شده و طرح آنرا رفیق جعفر مجبری داده است.

دنباله از صفحه ۱

لنین و تئوری انقلابی

انگلس را در تمام اجزای سگانه اساسی آن یعنی فلسفه، اقتصاد و کمونیزم علمی، بر پایه تجارب عملی انقلاب روس و جهان و نیز دستاورد های علمی و فرهنگی روس و جهان بسطداد. مختصات عصری که لنین در آن میزیست

عبارت بود از عصر امپریالیسم، بنامه و اسپین مرحله سرمایه داری و آغاز زوال سیستم سرمایه داری، عصر انقلابات سوسیالیستی و ملی و رهائی بخش، عصر ساختمان سوسیالیسم. در این عصر که نسبت به دوران مارکس و انگلس ویژه گی‌های تازه‌ای کسب کرده بود، می بایست تئوری انقلابی را با تعمیمات و استنتاجات نوی غنی ساخت و استراتژی و تاکتیک حزب پرولتاریا را بسطداد. حوادث دوران لنین و پس از او صحت و قدرت منطقی احتجاجات و استنتاجات تئوریک لنین را ثابت کرد. پیدایش شخصیتی مانند لنین و فعالیت تئوریک او در روسیه یک امر غیر قابل توضیح

تا کنون در زندانهای مختلف ایران بسر میبرند و شکنجه‌ها و زجرهای زیادی را دیده‌اند به معانیات دقیق پزشکی و معالجات مؤثر نیاز مندند، ولی درخیمان توجهی باین امر حیاتی نمیکنند و حتی اجازه نمیدهند که عده‌ای از آنها که امکاناتی دارند با وسایل شخصی خود معالجه شوند.

هنگام بازدید از زندانیان سیاسی بارها نمایندگان شاه گفته‌اند ما داریم زندانهای تازه میسازیم، چون سازمان امنیت دیگر جای خالی در زندانها باقی نگذاشته است. رژیم شاه در نبرد با زندانیان شکست خورده است، مقاومت و مبارزه آنها الهام بخش رزمندگان است. درود به زندانیان سیاسی که زندانها را بدژ مبارزان تبدیل کرده اند.

توجه

بزودی کتاب «برخی بررسیها در باره جهان بینیا و جنبشهای اجتماعی در ایران» منتشر خواهد شد. دفاعیه خسرو روزبه تجدید چاپ خواهد شد.

نیست. پیش از لنین جنبش انقلابی روس در زمینه عملی و نظری راه زیادی را پیموده بود. لنین مینویسد: «روسیه طی نیم قرن تاریخ مصائب و فداکارهای بی نظیر، قهرمانهای انقلابی بی همتا، انرژی و جانفشانی شگرف در راه پژوهش، آموزش و آزمایش در عمل، سرخوردگی‌ها و امتحانها و مطابقت تجارب اروپا، تئوری مارکسیستی را بعنوان یگانه تئوری صحیح انقلابی با رنج بدست آورده است.»

جهان بینی لنین در دورانی شکل و وضوح یافت که وی خود آنرا دوران یک «ارتجاع عیان گسسته و فوق العاده بی معنی و سبانه» میدانند. او در محیط خود هم ستم اقتصادی رژیم تزاری را بصورت فقر مردم میدید، هم ستم سیاسی وی را بصورت فقدان مطلق حقوق و آزادیهای دموکراتیک و هم ستم ملی را بصورت محرومیت برخی خلق های کوچک که در محیط زندگی لنین بسر میبردند، این مشاهدات، همراه با شرایط پرورشی مساعدی که در خانواده مترقی و روشن بین لنین وجود داشته و از آنجمله تأثیر فداکاری برادر انقلابیش که در راه آرمانهای خلق تیرباران شد (۱۸۸۷) و آشنایش با ادبیات مارکسیستی و جنبش کارگری روس لنین را خیلی زود و خیلی استوار وارد عرصه انقلاب کرد.

هفده ساله بود که در دانشگاه غازان بعلمت شرکت در «اشوبهای دانشجویی» بازداشت شد و تحت نظر ژاندارم به دهکده «کوکوشکینو» تبعید گردید. لنین از همان آغاز متوجه بود که راه تروریزم انقلابی که برادرش پیموده نمی تواند به تحول بنیادی جامعه روس منجر گردد. لذا او در جستجوی یافتن راه دیگری بود که قادر باشد چهره جامعه را با شرکت خود افراد آن دگرگون کند.

در کوکوشکینو لنین مجله «ساورتیک» را که تحت نظر فیلسوف انقلابی روس چرنشوسکی منتشر میشد و بویژه در مجله مقالات خود چرنشوسکی را با دقت تمام میخواند و گاه یک مقاله را چند بار مطالعه میکرد. خود لنین بعد ها یاد آوری میکند که خواندن مقالات چرنشوسکی در اوبویزه در دریافت دیالک تیک هگل و نقش مثبت آن برای تحلیل پدیده های طبیعت و اجتماع تأثیر زیادی داشت. لنین می نویسد درک دیالک تیک هگل کار را برای درک دیالک تیک مارکس بعد ها بسی آسان ساخت.

پس از یکسال به لنین اجازه دادند از دهکده کوکوشکینو به شهر غازان باز گردد ولی مجاز نبود وارد دانشگاه شود. در آن ایام در سراسر روسیه «مخفل» هائی برای مطالعه مارکسیسم بطور مخفی تشکیل میشد. در غازان مخفلی تحت نظر قدومه یف دائر بود. لنین در پائیز سال ۱۸۸۸ وارد این مخفل شد، در این مخفل «سرمایه» اثر مارکس، رساله های انگلس و پلخانف مطالعه میشد. شرکت در این مخفل لنین را که زمینه کافی داشت، به یک مارکسیسم معتقد مبدل کرد. سالهای بعد بررسی لنین از مارکسیسم باجدیت روز افزون ادامه یافت. وقتی در ۲۳ سالگی (۱۸۹۳) وارد پتربورگ مارکس و انگلس و پلخانف مطالعه میشد. شرکت در این مخفل لنین را که زمینه کافی داشت، به یک مارکسیسم معتقد مبدل کرد. سالهای بعد بررسی لنین از مارکسیسم باجدیت روز افزون ادامه یافت. وقتی در ۲۳ سالگی (۱۸۹۳) وارد پتربورگ

مغلطه کاری رژیم

بحساب اعلامیه جهانی حقوق بشر

گویا اقدامات داهبانه آریامهری و اندرزه‌های بشردوستانه و حکیمانه «پدر تاجدار» جهان زافرا گرفته و حتی نمونه ایران مانند چراغ تابناکی راه بشریت را برای «ساختن دنبانی که در آن نادانی، اسارت و ستمگری از میان برود و انسان فقط بعزت انسان بودن خود و بدون هیچگونه تمایز و تبعیض از تمام حقوقها و آزادیهای متناسب با ارزش و مقام فرد برخوردار باشد.» روشن ساخته است!

این عبارات را اشرف خواهر شاه، که بنا بر همان تاکتیک مذکور، ریاست عالی کمیته ایرانی حقوق بشر نیز بوی تفویض شده، بمناسبت بیست و یکمین سالروز صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر بی پروا بیان میکند و برادر تاجدارش نیز با کی از آن ندارد که در پیام خود بهمین مناسبت دم از مبارزه با «جهل و گرسنگی» و حتی «خودکامگی» آنهم در مقیاس جهانی بزند و سرانجام اعلام دارد که: «جامعه ایرانی اکنون در راهی که با اصول منطقی و بشر دوستانه و مترقی هماهنگی کامل دارد پیش میرود و از این راه سهم مسئولیت خویش را در راه ایجاد جهانی بهتر با احساس کامل این مسئولیت بعهده گرفته است.» جل الخالق! این فرمایشات از آن کسی است که نه تنها خود یکی از ناقضین عنوان دار مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر است، بلکه در خود کامگی و پایمال ساختن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم؛ در بر هم ریختن اساس مشروطیت و حکومت پارلمانی، در ستمگری و بیاد، سرآمد اقران خود در جهان است.

این غدا بقدری شور است که خود خان هم فهمیده است. حتی شاه و اشرف در پیامهای خویش کلمه ای هم از آزادیهای سیاسی که شالوده اساسی اعلامیه حقوق بشر است بر زبان نیآوردند و فقط بر روی مسائلی کلی از قبیل «ارزشهای انسانی»، «حصول بعدا کشر ایده آلهای انسانی» و بویژه بر مسئله تبعیض نژادی که بهیچوجه با درد های مستقیم جامعه ایران ارتباطی ندارد، تکیه میکنند. نطق مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا که باصطلاح در «تجلیل اعلامیه جهانی حقوق بشر» ایراد شده است از پیام اربابان خود نیز تو خالی تر است.

توأم ساختن سالروز صدور اعلامیه حقوق بشر با روز ۲۱ آذر، که در قاموس اصطلاحات رژیم کثونی «روز نجات آذربایجان» خوانده میشود، بیهوده نیست. شاه و زمامداران رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کشور ما میخواهند چنین جلوه دهند که کشتار بیش از بیست هزار نفر از هموطنان بی دفاع آذربایجانی ما در این حادثه، اعدام برادران قاضی که حتی کوچکترین مخالفتی هم با ورود ارتش دولتی به کردستان نکردند،

تیرباران دسته جمعی گروه ۳۳ نفر افسر میهن پرست، حلق آویز آزادیخواهانی چون داداش تقی زاده، آزاد وطن، فریدون ابراهیمی، وغیره و گوش و بینی بری افرادی چون حسین نوری و قتل فجیع آنها در حضور زن و فرزند، پس از انجام انواع بی عصمتی ها، باز داشت های دسته جمعی و هزاران فجایع دیگر، از جمله اقداماتی است که گویا با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر سازگار است! در این مقاله جای آن نیست که در باره عدم مشروعیت لشکر کشی دولت به آذربایجان و کردستان بویژه پس از آنکه دولت رسماً با نمایندگان مردم آذربایجان وارد مذاکره شد، خواسته های مشروع ملی آنها را پذیرفت و بنا بر توافق قبلی قرار شد نیروی نظامی دولتی برای تأمین آزادی انتخابات وارد آن سامان شود، سخنی بگوئیم. اینها فاکت های تاریخی است که نمیتوان با هیچ دستاویزی قلب نمود. ولی فرضاً که این لشکر کشی و فجایع متعاقب آن با منطق طمقاتی هیئت حاکمه ایران هم قابل توجیه باشد، دیگر چه جای اینهمه جشن گرفتن ها و پایکوبیهاست.

مگر نه اینست که در این حادثه عده کثیری از هموطنان ما بقتل رسیده اند؟ آخر قتل و کشتار جمعی مردم بی دفاع که جشن و سرور ندارد. حتی (تیر) مرتجعترین نماینده بورژوازی فرانسه، پس از توفیق در سرکوب مقاومت مسلحانه طبقه کارگر فرانسه در دوران کمون پاریس جسارت را باین درجه نرساند که همه ساله برای این پیروزی جشن بگیرد، سوار بر اسب شود و ارتشی را که بکمک بیگانگان تنظیم یافته است سان ببیند.

آیا ادعای دفاع از اعلامیه حقوق بشر از طرف شاه و رژیم وی که مرتکب انواع جنایات ضد انسانی شده، هزارها میهن پرست ایرانی را برای استقرار و تثبیت حکومت مطلقه بمیدانهای اعدام، شکنجه گاهها و زندانها فرستاده، احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک را تعطیل و مطبوعات آزادیخواه را ممنوع ساخته، بمدد ترور پلیسی سازمان امنیت آزادی عقیده، بیان، قلم و مطبوعات و تمام اصول قانون اساسی ایران را زیر پا گذارده و خلاصه حکومت مشروطه را تبدیل بقرستان آریامهر نموده است در عین اینکه کمندی تأثر انگیز نیست توهینی شنیع نسبت ب مردم مسلوب الحق میهن ما نیست؟ مردمی که در راه تأمین حقوق و آزادیهای آنان جانهای عزیز ی چون خسرو روزبه، دکتر فاطمی، سیامک، و کبلی، مرتضی کبوان، قاضی اسد اللهی، زاخاریان، محمود کوچک شوشتری، وارطان سالخانیان، مشری، عزیزی، مدنی، وزیربان، جلالی، کلالی، کلهری، واعظ قائمی، بهنیا، محبی، بیاتی، مهدیان، افشار بکشاو، جمشیدی، واله،

بهزاد، سروشیان، محقق زاده، مختاری، مرزوان، نصیری، قندچی، بزرگک نیا، شریعت رضوی، شریف زاده، سلیمان معینی و ده ها رزمنده دیگر فدا شده اند؟

مگر کسانی که با اتهام سیاسی اعدام شده یا بازداشت و تبعید گردیده اند و با مانند علی خاوری، پرویز حکمت جو، آصف رزمنده و صابر محمد زاده و غیره بحکم دادگاههای در بسته نظامی هم اکنون در زندانها بسر میبرند، مرتکب چه گناهی غیر از استفاده از مفاد ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر که تصریح میکند: «هر کس حق دارد برقراری نظامی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی حقوق و آزادیهای را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آنها را ب مورد عمل بگذارد» گردیده اند؟

این امر که سازمان امنیت شاه و محاکم نظامی فرمایشی وی جرأت ندارند صراحتاً این اشخاص را متهم بمطالعه آزادی های مصرح در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر نمایند و بکنواخت همه را بجرم مخالفت با سلطنت (آنهم با سلطنت مشروطه) محکوم میکنند، نمیتواند کوچک ترین تغییری در ماهیت اتهام واقعی آنها بدهد. ادعای دفاع از سلطنت مشروطه از طرف حکومت مطلقه ای که همه مقررات قانون اساسی را زیر پا گذارده است در واقع جز اعمال همان تاکتیک عمومی قلب واقعات چیز دیگری نیست. طبق ماده ۱۹ اعلامیه جهانی «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظاتی فردی آزاد باشد.»

این درست همان ماده ایست که نه تنها شاه و رژیم وی با آن موافق نیستند (زیرا بهیچوجه با حکومت فردی و سلطنت مطلقه سازگار نیست) بلکه با تمام قوا و با تمام وسائل قاهرانه ممکن در نقض آن میکوشند. آن عده بشماری از مردم کشور ما که هر روز بهانه های گوناگون عقیده ای و مسلکی با احضار و بازداشت های خلاف قانون سازمان امنیت، با شکنجه ها و محاکم در بسته نظامی و زندانها سر و کار داشته و دارند میتوانند در باره کیفیت اجراء این اصل مهم اعلامیه جهانی حقوق بشر طبق «اصول انقلاب سفید شاه» داستانه نقل کنند.

دستگاه حکومت مطلقه تنها باین اکتفا نمیکند که در عمل مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول مصرح در قانون اساسی ایران را در باره آزادیهای فردی و اجتماعی مردم نقض نمایند، بلکه با گستاخی تمام قوانینی وضع میکنند که مستقیماً منافی این اصول است. برای آنکه بر دور نرفته باشیم همین لایحه قانونی خدمت وظیفه را که دولت برای تصویب بمجلس برده و در ۱۸ آذر ماه سال جاری در مطبوعات انتشار یافته است بشهادت

میآوریم. صرف نظر از اینکه لایحه مزبور در نخستین ماده خود، وظیفه مسلم و همگانی دفاع از میهن را حلیه گرانه با دفاع از «سلطنت مشروطه» که صرفاً مسئله ای عقیده ای و سیاسی است در آمیخته است، در ماده ۹ با را از آن فرا تر گذارده چنین تصریح نموده است: «کلیه مشمولانی که وارد خدمت زیر پرچم میشوند باید طبق آئین نامه های ارتش شاهنشاهی نسبت باعلیحضرت همایون شاهنشاه بزرگ ارتشتاران و والا- حضرت ولایتعهد و حکومت سلطنتی مشروطه ایران سوگند وفاداری یاد نمایند.»

بعبارت دیگر همه مردم ایران (بالاقل بنا بر متن لایحه کلیه اتباع ذکور دولت شاهنشاهی) نه تنها باید شکل حکومتی سلطنت مشروطه را درست و بی چون و چرا قبول داشته باشند، بلکه موظفند که پادشاه کنونی و ولیعهدش را نیز بپذیرند. بدیهی است که اجبار در انجام چنین سوگند همه اتباع کشور ایران را از حق داشتن هر عقیده سیاسی دیگری غیر از سلطنت طلبی، آنهم سلطنت موروثی (زیرا باید بولیعهد نیز سوگند وفا داری یاد شود) محروم مسازد. بدین طریق هر نظریه دیگری در باره شکل حکومت ایران (اعم از آنکه ماهیت آن سرمایه داری باشد یا غیر سرمایه داری، دموکراتیک باشد یا استبدادی، متمرکز باشد یا فدراتیو) از پیش محکوم شده و بقید قسم مؤکد گردیده است. همین است و لاغیر و هر کس جز این فکر کند حواله اش با درخیمان سازمان امنیت و محاکم نظامی استثنائی است. مقایسه ماده ۹ این لایحه با ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر درجه صداقت شاه و زمامداران دیگر رژیم را در دفاع از اصول این اعلامیه بنحو بارزی نشان میدهد.

واضح است رژیمی که از آزادی عقیده مناصت داشته باشد نمیتواند با مواد دیگر اعلامیه جهانی و بویژه مواد ۲۰ و بند ۴ ماده ۲۳ آن که تصریح میکنند: «هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد... هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها شرکت کند.» موافقت داشته باشد. خود شاه و زمامداران رژیم نیز نمیتوانند منکر منوعیت احزاب و اجتماعیاتی که بدخواه آنها نیست باشند، زیرا شاه مکرراً در اظهارات خود باین نکته تحت عنوان «عدم آزادی خیانت» اشاره کرده است. (وی هر گونه مخالفت با رژیم استبدادی خود و خاندانش را خیانت می شمارد) محاکمات متعدد افراد منتسب بعقاید سیاسی گوناگون، از توده ای و مصدقی گرفته تا دسته جات مذهبی و دینی از یکسو و وجود دسته گاه عریض و طویل سازمان امنیت و محاکم غیر قانونی نظامی که وظیفه دیگری جز تعقیب مخالفین سیاسی رژیم ندارند از سوی دیگر، گواه بی چون و چرائی بر نقض کامل این حق مسلم دموکراتیک افراد جامعه است.

قطعه‌نامه مصوب پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی در باره

جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری (ژوئن ۱۹۶۹) و فعالیت هیئت نمایندگی حزب ما در این جلسه

شد اسناد مهمی را تصویب کند که از آنجمله است سند اصلی جلسه مشاوره تحت عنوان «وظائف مبارزه علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و کلیه نیروهای ضد امپریالیستی». سند تحلیل وسیع علمی مارکسیستی-لنینیستی از وضع کنونی جهان و وظائف مبرم جنبش کمونیستی و کارگری جهانی است و روشن می‌سازد که اکنون سمت عمومی تکامل بشریت را سیستم سوسیالیستی و طبقه کارگر و کلیه نیروهای انقلابی جهانی معین می‌کنند. این سند تجاوزات و تحریکات امپریالیستی را در مورد ویتنام قهرمان، در خاور میانه و خاور دور و کوبا و دیگر نقاط جهان افشاء می‌کند و جنبش پرتوان مبارزه و اعتراض علیه امپریالیسم را نشان می‌دهد و با عمق و واقع بینی ماهیت امپریالیسم را، در شرایط مشخص معاصر، در این عصر انقلاب علمی و فنی و گسترش انقلابات اجتماعی و رهائی بخش نشان می‌دهد و بسط تضاد های درونی امپریالیسم و تشدید ناپایداری سیستم سرمایه داری را مبرهن می‌سازد و ضرورت و مبرمیت وارد ساختن تغییرات قاطع انقلابی را در این سیستم اثبات می‌نماید.

در سند تصریح شده است که امپریالیسم دیگر قادر نیست ابتکار تاریخی را که از دست داده است بخود بازگرداند و تکامل جهان کنونی را به سیر قهقرائی وا دارد. طبقه کارگر و دیگر نیروهای انقلابی و دموکراتیک باید برای خاتمه دادن به اعمال تبه کارانه امپریالیسم و از آنجمله امپریالیسم امریکا که نقش ژاندارم جهانی را ایفاء می‌کند همراه یکدیگر اقدام نمایند.

در سند تصریح شده است کشورهای که راه سرمایه داری در پیش گرفته اند (و کشورما ایران از آنجمله است) توفیق نیافته‌اند حتی یکی از مسائل مطروحه در برابر خود را حل نمایند. در این کشورها ارتجاع داخلی که مواجه با نارضائی روز افزون مردم است بر تجاوز خود نسبت به آزادیهای دموکراتیک میافزاید و در برخی موارد بیرحمانه جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه توده‌ها را سرکوب می‌کند، اختلافات ملی، نژادی، مذهبی، عشیره ای یا زبانی را دامن می‌زنند و بدین طریق استقلالی را که کشورهای مزبور بدست آورده‌اند بخطر میاندازد. سند تصریح می‌کند که در این کشورها راه حل وظائف مربوط به رشد ملی و ترقی اجتماعی و مقابله مؤثر در برابر نیروهای نو استعماری، بسیج توده های مردم، افزایش نقش پرولتاریا و دهقانان، اتحاد جوانان زحمتکش، دانشجویان و روشنفکران، قشر های متوسط شهرها، محافل دموکراتیک ارتش و تمام نیروهای

ترقیخواه و میهن پرست است. احزاب کمونیستی و کارگری در راه ایجاد چنین اتحادی مرکب از کلیه نیروهای ترقیخواه و میهن پرست فعالیت می‌کنند.

سند اصلی همچنین به تحلیل تناسب قوا در عرصه جهانی میپردازد و بشکل مقنع نشان می‌دهد، که نیروهای صلح و دموکراسی و سوسیالیسم، هم اکنون به نیروهای امپریالیستی برتری دارند و سیستم جهانی سوسیالیسم نیروی قاطع در نبرد ضد امپریالیستی است. سند مسئله مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی را مورد بررسی قرار می‌دهد و تصریح می‌کند که کمونیستها از دشواریهایی که سیستم سوسیالیستی جهانی در جریان تکامل خود با آن مواجه است آگاهند. با ابطال این سیستم که بر پایه رژیم اقتصادی واجتماعی مشترک قرار دارد (و بسبب همین اشتراک پایه اقتصادی - اجتماعی دارای وثیقه‌ای برای غلبه بر دشواریهاست) خواهد توانست وحدت درونی خویش را بر مبنای مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری سرانجام استحکام بخشد. در سند تصریح شده است که در درون دژ های سرمایه داری طبقه کارگر نیروی محرکه عمده پیکار انقلابی در مجموع جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی است. در سند شرکت قشرهای تازه بتازمهای از روشنفکران، جوانان و زنان در صفوف مبارزات انقلابی بیان شده و ضرورت ایجاد جبهه وسیعی از کلیه نیروهای دموکراتیک علیه امپریالیسم و ارتجاع خاطر نشان گردیده است. سند اصلی همچنین جنبش رهائی بخش ملی را که وارد مرحله نوینی شده است تشریح می‌کند و تصریح می‌نماید که در جریان ده سال اخیر نقش جنبش ضد امپریالیستی خلقهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین در پروسه انقلابی جهانی باز هم افزایش پذیرفته است و نتیجه می‌گیرد که تحکیم اتحاد نیروهای سیستم جهانی سوسیالیسم و جنبش کارگری و نهضت رهائی ملی از لحاظ دور نمای مبارزه ضد امپریالیستی حائز اهمیت درجه اول است. سند برای جنبش رهائی بخش عرب نقش ارزنده ای در مبارزه علیه امپریالیسم قائل شده و گفته شده است که این جنبش بر روی تمام جنبشهای ضد امپریالیستی و ضد استعماری و ضد استعمار نوین درخاور میانه و آفریقا تأثیر مثبتی می‌کند. مبارزه خلقهای عرب علیه امپریالیسم و علیه تجاوز اسرائیل جزء لاینفک مبارزه عمومی است که در میان نیروهای آزادی و سوسیالیسم در سراسر جهان از یکسو و امپریالیسم بین المللی از سوی دیگر در گیر است.

در سند اصلی تدابیر و اقدامات مشخصی که باید علیه امپریالیسم اتخاذ شود بیان شده

است مانند: پشتیبانی همه جانبه از خلق قهرمان ویتنام، مبارزه علیه خطر جنگ جهانی هسته‌ای، دفاع از صلح، مبارزه در راه تکمیل همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظامهای مختلف بر امپریالیسم، جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای و عملی ساختن قرار داد عدم پخش آن و کوشش برای منع سلاح هسته‌ای مبارزه در راه الغاء پیمانهای نظامی، دفاع از اصل نقض ناپایداری مرز های کنونی اروپا و مبارزه برای برسریت شناختن جمهوری دموکراتیک آلمان و ابراز همبستگی فعال با جمهوری دموکراتیک توده‌ای کره، پشتیبانی از مبارزه خلقهای عرب علیه تجاوزگران اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن و با پیکار خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، مبارزه برای پاک کردن سیاره ما از نژاد استعمار و امحاء آخرین کانون های آن و جلوگیری از احیاء اشکال مستور آن، مبارزه علیه فاشیسم و نژاد پرستی، نبرد برای نیل به آزادیهای دموکراتیک و مخالفت با تمام اشکال ستاگری بر ملل و اقلیت های ملی و غیره. مجموعه این تدابیر و اقدامات مشخص در واقع برنامه عمل مشترک احزاب کمونیستی و کارگری در شرایط کنونی است. حزب ما با امضاء سند اصلی قبول این وظائف و اجراء آنها را تعهد کرده است و نسبت به این تعهد خود وفادار خواهد ماند.

در سند تصریح شده است که اوضاع کنونی تقویت همبستگی پیکار جوانان ملل کشورهای سوسیالیستی، تمام واحد های جنبش کارگری جهانی و جنبش آزادی ملی را در مبارزه علیه امپریالیسم ایجاد می‌کند تا اجراء این وظائف مبرم دارای ضامن اجتماعی واقعی باشد. در سند تأکید شده است که وظیفه تکمیل سیاست همزیستی مسالمت آمیز بر امپریالیسم با قبول حق خلقهای ستمدیده برای استفاده از راههای مبارزه که برای رهائی ضرور میسرند، اعم از مسلح و غیر مسلح تباین ندارد و بهیچوجه بمعنای پشتیبانی از رژیمهای ارتجاعی نیست. این نیز مسلم است که هر خلقی حق دارد در قبال تمدنی متجاوزان امپریالیستی بدفاع مسلحانه بپردازد و در این کار عادلانه از پشتیبانی خلقهای دیگر برخوردار گردد. این امر جزء مبارزه عمومی ضد امپریالیستی خلقهاست.

در سند اصلی جلسه مشورتی مسئله وحدت احزاب کمونیستی و کارگری مورد بررسی وسیع و عمیق قرار گرفته و تصریح شده است که همپیوستگی احزاب کمونیست و کارگری مهمترین عامل اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی است.

در سند مسئولیت ملی و بین المللی کمونیستها بیان گردیده و گفته شده است که

وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، خدمت فداکارانه و صادقانه بمنافع خلق خود و امر مشترک سوسیالیسم، شرط حتمی برای اثربخشی و سمت یابی درست در وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و پایه موفقیت های آنان در تحقق هدفهای تاریخی خویش است. در سند با خشم و نفرت تضییقات خونینی که در یک سلسله از کشورها و از آنجمله در کشور ما ایران علیه کمونیستها و دیگر عناصر دموکرات اعمال میشود محکوم شده است. سرانجام در سند ابراز اطمینان شده است که بر مشکلات موجود در جنبش کارگری و کمونیستی و نیز برخی تفاوت نظرهای موجود غلبه خواهد شد و کثرت انس جهانی احزاب برادر به گام مهمی در راه همپیوستگی نهضت پر افتخار انقلابی جهانی بدل خواهد گردید. چنین است نکات اساسی سند اصلی جلسه مشاوره احزاب برادر که خطوط راهنما را برای درک و تطبیق وضع کنونی جهانی و نهضت انقلابی و رهائی بخش و وظائف مبرم ناشی از این تحلیل را بدست می‌دهد و حزب ما را به خط مشی روشن مارکسیستی-لنینیستی در مسائل جهانی مجهز می‌سازد.

پلنوم سند اصلی مصوب جلسه مشاوره احزاب برادر و دیگر اسناد این جلسه یعنی سند مربوط به صلح و صد سالگی میلاد لنین و سند مربوط به ویتنام را تأیید می‌کند.

پلنوم به رهبری توصیه می‌کند برای پخش اندیشه های سند اصلی از کلیه وسائل خود استفاده کند و وظائف مشخصی را که از این سند برای حزب ما ناشی میشود استخراج و برای اجراء عملی آنها وسائل لازم را بیاندیشد و احکام راهنمای این سند را در تحلیل وضع ایران وجهه نظر خود قرار دهد.

— ۲ —

کثرت انس جهانی در پیام خاصی تحت عنوان «استقلال، آزادی و صلح به ویتنام» به خلق برادر ویتنام درود آتشین پیکار جوانان فرستاده و از صمیم قلب کامیابهای تاریخی وی را در نبرد علیه تجاوز ایالات متحده امریکا شادباش گفته است. در این پیام تصریح شده است حق خلق ویتنام برای نبرد در دفاع از میهن خود، حق مقدس و خدشه ناپذیر کلیه خلقها در دفاع خویش است. در این پیام تصریح شده است که پیکار شجاعانه مردم ویتنام علیه تجاوز امریکا یکی از مهمترین اجزاء نبرد جهانی بین سوسیالیسم و امپریالیسم، مابین نیروهای مترقی و ارتجاع است. خلق ویتنام با پشتیبانی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و در نوبه اول اتحاد شوروی و نیز مردم صلحدوست جهان، به ایالات متحده امریکا، این قویترین نیروی امپریالیستی نشان داد که قدرت وی غیر محدود نیست. تجاوز امریکا و تبه کاریهای بربر منشانه مداخله گران در ویتنام به افراد روز افزون سیاسی و معنوی تجاوز گران در میان وسیعترین قشرها منجر شده است. نبرد حماسه آمیز خلق ویت نام یکی از عوامل تعیین کننده در جنبش خلقها

مغلطه کاری رژیم بحساب اعلامیه جهانی حقوق بشر

جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری (ژوئن ۱۹۶۹) و فعالیت هیئت نمایندگی حزب مادر این جلسه

در مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ اعلامیه جهانی چنین میخوانیم: « هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود باز گردد... هر کس حق دارد در برابر تعقیب و شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشور های دیگر پناه اختیار نماید... هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد احدی را نمیتوان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد ».

محتوی سیاسی و اجتماعی آن قبول دارند و بعقیده آنان اصول اعلامیه در همه جا نقض میشود جز در کشور شاهنشاهی که بنا اظهار صریح خود آن والا حضرت « در زمینه ملی با وجود موانع و اشکالات جهانی (کذافی الاصل) میتوان مباحثات کرد که با انقلاب سفید شاه و مردم راه پرفراز و نشیبی که برای تعمیم عدالت اجتماعی و احترام بحقوق بشر در کشور ما وجود داشت هموار شده است و تحول وقایع نشان میدهد که آینده بسیار درخشان تری در انتظار ملت ایران است » (ثم العجب!). باز خود ایشان بعنوان ریاست هیئت نمایندگی ایران در بیست و پنجمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر چنین میفرمایند: « ما در حال حاضر چه می بینیم؟ از یکطرف پرونده قطور تجاوزات بحقوق بشری و رنج های بیشمار که از این تجاوزات برای برادران و خواهران ما در بسیاری از نقاط جهان (الته غیر از ایران) ناشی میشود و از طرف دیگر انبوه متراکمی از قطعنامه ها و گزارشها و سپس بهمین روال تا آنجا که بعنوان چراغ الله میافزایند: « شاهنشاه آریا مهر هنگام گشایش کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران این حقیقت را یاد آور شدند و اظهار داشتند (در روزگار ما حقوق سیاسی بدون حقوق اجتماعی، عدالت قانونی بدون عدالت اجتماعی دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی هیچ معنا و مفهوم واقعی ندارند». چیزی که منطقاً از این گفتار و نقل قول شاهانه نتیجه میشود اعتراف بانست که در کشور ما نه تنها حقوق سیاسی و دموکراسی سیاسی وجود ندارد بلکه از حقوق اجتماعی و اقتصادی نیز خبری نیست، زیرا بنا بفرمایش خود ایشان فقدان این یکی مستلزم فقدان آن دیگری است. کلام الملوك ملوك الکلام!

با وجود این همین امر که شاه و هیئت حاکمه خود را مجبور می بینند ولو بظاهر و از لحاظ تاکتیکی هم شده اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر را یاد آور شوند، خود دلیل اهمیت معنوی و بین المللی آنست. بهمین سبب سواد مختلفه اعلامیه جهانی حقوق بشر میتواند بمثابة حربه نیرومند در مبارزه مردم ایران برای تأمین آزادیهای دموکراتیک مورد استفاده قرار گیرد. کمیته های ایرانی دفاع حقوق بشر در صورتیکه بوسیله خود مردم تشکیل شوند و خردمندان از آن بمنظور دفاع از آزادیهای دمو - کراتیک استفاده گردد میتوانند به تجهیز متحد افکار عمومی ایرانیان در داخل کشور و چه در خارج کمک مؤثری نمایند. شرط اساسی موفقیت در این راه سازمان متحد مبارزه متحد، پیگیر و با تدبیر است.

کیوان

علیه امیرالایسم بدل گردیده است. در پیام گفته شده است که ایالات متحده امریکا باید فوراً عملیات تجاوز کارانه خود را در ویتنام متوقف سازد و نیروهای اشغالگر خود را بطور کامل و بدون قید و شرط از ویت نام خارج نماید.

پلنوم سیزدهم حزب توده ایران با تأیید پرشور این پیام به نوبه خود بمردم دلاور ویتنام که از جهت مقدمات و مبارزه دلاورانه علیه امیرالایسم فصولی شورانگیز و بی نظیر در تاریخ جنبش های رهایی بخش پدید آورده اند درود میفرستد.

رهبری حزب باید از کلیه امکانات برای بسط جنبش همبستگی با نبرد قهرمانانه مردم ویتنام که بیروزی آن مستقیماً دراعتلاء نهضت در کشور ما نیز مؤثر است استفاده کنند و در این زمینه با تمام ابتکار، با تمام شور و علاقه عمل کنند.

۳

در جریان تدارک جلسه مشاوره و در خود این جلسه نقش برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی و مبارزه خردمندان و پیگیرش در راه دفاع از آزادیهای مارکسیسم - لنینیسم از انحرافات چپ و راست، در راه تحکیم وحدت و همبستگی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بیکبار دیگر با درخشندگی خاصی بروز کرد. این واقعیتی است که مورد تأیید احزاب برادر قرار گرفت و نمایندگان بسیاری از احزاب و از آنجمله حزب ما اهمیت حفظ و تحکیم همبستگی با اتحاد شوروی و حزب کمونیست شوروی و اعتلاء اعتبار معنوی آنرا با شور تمام بیان داشتند در جلسه مشاوره تصریح گردید که مارکسیست - لنینیست بودن با ضد شوروی بودن و آنتی امیرالایسم با آنتی سوسیالیسم ناسازگارند.

این واقعیت که اتحاد شوروی نخستین کشور سوسیالیستی است که پیشوای داهی زحمتکش جهان لنین آنرا بنیاد گذارده، این واقعیت که اتحاد شوروی بزرگترین قربانیان را در انقلاب و جنگهای داخلی و در نبرد علیه فاشیسم خونخوار داده است و راه پرافتخاری را در راه ساخته. آن سوسیالیسم طی کرده و اینک مقتدرترین دولت سوسیالیستی از جهت اقتصادی، علمی، فرهنگی و نظامی است، این واقعیت که سیاست اتحاد شوروی در همه عرصه ها بر اصولیت بی خدشه و اجراء وظائف انترناسیونالیستی خود استوار است، احساس احترام و اعتماد جنبش انقلابی رهایی بخش جهانی را نسبت بوی بیش از پیش بالا میبرد. در جلسه مشاوره اکثریت نمایندگان خط مشی تفرقه طلبانه و ماجراجویانه گروه

ماتونسه دون را مستلاً افشاء و رد کردند. در عین حال جلسه ضرورت همه گونه تلاش را برای غلبه بر مشکلات موجود در روابط احزاب برادر با احزاب کمونیست چین و نیل بوحدت و همبوستگی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تصریح نمود.

حزب ما پیوسته برای دوستی و همبستگی با اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی اهمیت ویژه ای قائل بوده و هست که ناشی از مشی انقلابی و انترناسیونالیستی او، ناشی از تحلیل علمی و اصولی او از وضع کنونی جهان و منافع حیاتی طبقه کارگر

جهان و ایران است. حزب ما همیشه با انواع انحراف از مشی صحیح انقلابی در جهت راست و چپ، و از آنجمله با مائوئیسم در اندیشه و عمل مبارزه کرده است. در عین حال حزب ما هوادار پرشور اتحاد و همبوستگی همه احزاب کمونیستی و کارگری بر پایه اصولی است. حزب ما به این موضوع

اصولی خود وفادار بوده و خواهد بود و برای ایجاد روح انترناسیونالیسم پرولتری و دوستی با اتحاد شوروی در افراد حزب و همه توده های زحمتکش ایران کوشیده است و خواهد کوشید.

حزب ما در جریان تدارک و برگزاری جلسه مشاوره ژوئن ۱۹۶۹ و تنظیم اسناد این کنفرانس شرکت فعال داشته است. پلنوم مجموعه فعالیت رهبری حزب و هیئت نمایندگی ما را در جلسات تدارکی و در کنفرانس و گزارش هیئت اجرا را که به پلنوم تقدیم شده، تأیید میکند.

پلنوم توصیه میکند که حزب در کلیه فعالتهای بین المللی نظیر که در جلسه مشاوره جهانی در اطراف آن سخن گفته شده است (مانند کنفرانسهای بین المللی تئوریک، جلسات وسیع ضد امپریالیستی و همانند آن) با جدیت و ابتکار و تدارک لازم شرکت جوید و نقش فعال حزب را در حیات انقلابی بین المللی بالا ببرد.

حزب ما باید در مبارزات جهانی علیه ایمنولوژی بورژوازی و علیه جریانات انحرافی چپ و راست و علیه تنگ نظرهای ناسیونالیستی پیوسته خط مشی بی ابهام و روشن داشته باشد، زیرا تنها بدین شکل میتواند منویات واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را منعکس کند.

پلنوم استفاده از جلسات مشاوره منطقه ای بین احزاب برادر را وسیله مؤثری برای تقویت مبارزه طبقه کارگر در منطقه معین میشمرد و لذا بررهبری توصیه میکند تمام کوشش خود را بویژه در مورد تشکیل کنفرانس از احزاب کمونیستی و کارگری منطقه خاور میانه بکار برد.

لنین و تئوری انقلابی

پایتخت آنروزی روسیه شد. لنین دیگر یک مارکسیست کارگشته و قوی بود و در میان محفل های مارکسیستی روس کسب وجهه و شهرت کرده بود. لنین از همان آغاز در عرصه تئوری مجرد و خالص، باقی نماند بلکه با دقت و اصابت نظر ویژه خویش به بررسی جامعه معاصر روس، رشد نظام سرمایه داری در آن، تعیین نقش طبقات اجتماعی جامعه آن و بررسی انقلاب روس پرداخت. حتی در همان ایام (۱۸۹۵-۱۸۹۳) کتابهای او تحت عنوان «تحولات جدید اقتصادی در زندگی دهقانان»، «درباره باسئطلاح مسئله بازار دوستان مردم کیانند و چگونه با سوسیال دموکراتها مبارزه می کنند»، «مختصری اقتصادی روش ناردنیکی و انتقاد از آن در کتاب «سترووه» مسائل مشخص اقتصادی، اجتماع سیاسی جامعه معاصر روس را در زیر ذره بین تحقیق علمی مارکسیستی قرار میدهد. در سالهای ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۹ که لنین بعلمت فعالیت انقلابی خود در تبعید گاه سبیری بود، دست به تألیف اثر مهم خود «رشد سرمایه داری در روسیه» میزند و در این کتاب نشان میدهد که بسط و تکامل سرمایه داری در روسیه تقسیم کار را در داخل جامعه تشدید می کند و لذا منجر به فشربندی مولدان خرده یا میشود و بازار داخلی را وسیع میسازد و تعداد پرولتاریا فزونی میگیرد و این طبقه به نیروی مولده اساسی جامعه بدل میگردد. بسط این مناسبات مناسبات منجمد و فرسوده فئودالیسم را بناچار رو بتلاشی و زوال میبرد و تنها با دیدن این واقعیت است که میتوان وظایف سیاسی و انقلابی را تعیین کرد.

لنین در همین ایام « دوران لنینی تکامل مارکسیسم » آغاز میگردد زیرا لنین در این آثار ابتدای جوانی خود نشان داد که میتواند ماهزانه و بشکل درخشان احکام دیالکتیک تکامل تاریخ را بر نسج خاص جامعه زمان خود بشکل خلاق و علمی تطبیق دهد وظایف سیاسی طبقه کارگر را از این انطباق بیرون بکشد و تئوری را با احکام و استنتاجات نوینی غنی سازد. لنین در همین جاده با پی گیری علمی پیش رفت و فصل عظیم و نوینی را در تکامل فکر و عمل مارکسیستی گشود.

لنین در همین ایام نوشت که تئوری مارکسیزم «جدی ترین و عالی ترین علمیت را (زیرا آخرین سخن علم اجتماعی است) با انقلابیت پیوند میدهد». در همین توصیف لنین بخوبی دیده میشود که لنین نه عالمان بی عمل و نه بی خبران از تئوری انقلابی، هیچکدام را بحق نمی داند و میآموزد که باید پیوسته علمیت را با انقلابیت، تئوری را با عمل در آمیخت. باید مارکسیسم را نه تنها در احکام عام آن بلکه در انطباق مشخص آن بر جامعه مشخصی که فرد انقلابی در آن بسر میبرد، نیز شناخت و بویژه این شناخت انطباقی مارکسیسم است که شناخت مارکسیسم را شناخت عمیق و واقعی مبدل می کند.

زنان و دختران پیکارجوی ویتنام

زندان « توووک » و از جمله زندانیان غیر سیاسی، بمنظور افشاء این تبهکاری ها، مجازات آدمکشان، حذف مراسم احترام به پرچم ویتنام جنوبی و لغو قوانین ضد بشری زندان متحدا دست بمبارزه زدند. آنها خواستار عسکربرداری از اجساد مقتولین و جراحات معلولین (بر اثر شکنجه) شدند و تقاضا کردند تا شهداء بطرز شایسته ای بخاک سپرده شوند و بخانواده های آنان خسارت پرداخت گردد.

تسلیم زنان به سگهای درنده

ولی شکنجه گران دست از فشار بر نداشتند. در ۲۲ اوت ۱۹۶۸ خانم «نگو بین تی خوان لائو» را از سلول شماره ۷ زندان «توووک» چنان مضروب نمودند که جان سپرد. و سپس یک گروهان پلیس وارد زندان شد تا جسد را تحویل گیرد. زنان زندانی از تحویل جسد امتناع نمودند در نتیجه ۱۸ زن شدیداً مضروب شدند و به ۳۵ نفر اخطار شد تا خود را برای انتقال به محل دیگر آماده کنند. زندانیان از اجرای دستور خودداری نمودند، واحد پلیس بلافاصله سگهای درنده را رها کرد. چهار نفر از زندانیان جا بجا زیر چنگ و دندان سگهای درنده تکه و پاره و بسیاری مجروح شدند. تاکنون دهها نفر از زنان زندانی «توووک» کشته و یا مقنودالتر شده اند و صدها نفر بر اثر شکنجه معلول شده اند. زندانیان زندان «توووک» با آنکه زندگی آنها جداً در خطر است، به مبارزه سرسختانه خود کماکان ادامه میدهند.

خانم «بین» وزیر امور خارجه دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی در گزارش خود به کنفرانس پاریس از افکار عمومی جهان خواستار شد که جنایات را افشاء کنند و اقدامات جدی بمنظور متوقف کردن دست خون آلود امپریالیسم امریکایی و گروه دست نشانده آنها در زندان «توووک» و سایر زندانهای ویتنام جنوبی بعمل آورند و بخواهند بزندگی و شایستگی میهن پرستان زندانی احترام گذارده شود و تمام زندانیان سیاسی آزاد شوند.

ما در اینجا قصد ورود دربارہ بررسی ازنیه عظیم تئوریک لنین نداریم. اینکار از وظیفه مقاله ای محدودبکنی خارج است از آنجا که سر مشق گرفتن از شخصیت پیشوای داهی زحمتکشان که بزودی بشریت مترقی صد سالگی ویرا بر پا خواهد داشت وظیفه هر انقلابی است و از آنجا که برای جوانان انقلابی ایران، فعالیت فکری و علمی دوران جوانی لنین میتواند منبع عظیم الهام و نمونه باشد، لذا کوشیدیم باختصار با این فعالیت آشنا شویم. نباید فراموش کرد که بهترین شوه قدرشناسی از بزرگان کوشش برای فرا گرفتن شوه آنان است

سلیمان معینی و عبدالله

معینی دو تن از شهیدان کردستان که اولی بدست دژخیمان سازمان امنیت از پای درآمد و دومی در یک نبرد تن به تن در برابر ژاندارم ها شهید شد. جلادان شاه برای ایجاد رعب در مردم میخواهند جنازه سلیمان معینی را (سمت چپ) شهر بشهر بگردانند، ولی مردم بمنظور اعتراض دکانها را بستند و در نتیجه جنازه را تحویل گرفتند و در آرامگاه شهر با احترام بخاک سپردند.

سلیمان و عبدالله این دو برادر مبارز تا آخرین دم در راه آرمانهای مردم قهرمانانه مبارزه کردند. علیرغم تبه کاری های رژیم شاه در کردستان خلاق کرد به مبارزه خود علیه شاه و حامیان امپریالیست او ادامه خواهد داد.



سلیمان و عبدالله

زندانیان خود کشی میکنند

خانم «نگو بین تی خون» عضو کمیته جبهه آزادیبخش ملی در مناطق سایگون و خولون و سیادین در آغاز سال ۱۹۶۷ توقیف و یکماه تمام در زندان «توووک» زندانی بود. سپس او را بازداشتگاه بازداشتی ها منتقل کردند و پس از آزادی این منطقه توسط ارتش آزادی بخش ملی وست نام خانام تی خون نیز آزاد شد. او پس از آزادی هنگام عبور از پاریس اطلاعات دقیقی از شرایط دشوار زندانیان در «توووک» در اختیار هیئت نمایندگی جبهه آزادیبخش ملی در کنفرانس پاریس گذارد. وی گفت: «شرایط زندان فوق العاده دردناک است. زندانیان شب و روز شکنجه می شوند و فریادهای شکنجه دیدگان قسطع نشدنی است. سلولها بطول ۲۰ متر در ۸۰ سانتیمتر است و فقط از یک منفذ چند سانتیمتری هوا میگیرند. در این سلولهای تنگ و تاریک زندانیان رنگ نور را نمی بینند. بهنگام روز اجازه خروج و هوا خوری ندارند و فقط در شب برای خالی کردن سطل های بدون سروش فضولات خود با آنها اجازه خروج از سلول داده میشود. فقدان بهداشت بعدی است که عده کثیری از زندانیان به بیماری سل مبتلا شده اند. زندانیان جز یک بالاپوش سبک بر تن ندارند و شب و روز بدون رو انداز روی زمین میخوابند. شکنجه روحی و جسمی زندانیان چنان شدید است که برخی از آنها با استفاده از تکه های لباسشان خود را حلق آویز میکنند.»

علیرغم تساوت هولناک امپریالیسم و گروه دست نشانده سایگون، خلق ویتنام از زن و مرد و پیر و جوان دلیرانه مقاومت می کنند. تا روزی که خلق ویتنام بر سر نوشت خود حاکم شود، پیکار حماسه آمیز مردم ویتنام ادامه خواهد یافت.

اطلاعیه دبیرخانه ...

های گونا گونی میباشند که باشکال مختلفه در کشور ما ظهور میکنند و از لحاظ ماهیت طبقاتی و اصول عقیده ای کثرتین ارتباطی هم با سازمان حزبی ما ندارند.

ولی نه توطئه سکوت و نه تبلیغات مزورانه و پیر سر و صدا علیه حزب ما نتوانسته اند و نمیتوانند ما را از تعقیب خط مشی صحیحی که در مبارزه علیه رژیم ضد ملی و ضددموکراتیک کنونی در پیش گرفته ایم باز دارند. توده های وسیع مردم ایران، حزب ما و خصائل مبین پرستانه و آزادیخواهانه ی وی را نیک میشناسند و بهمین سبب تبلیغات خصمانه شدید و انتشارات معمولی که با استفاده از محیط ترور و اختناق بوسیله ی رژیم ستمگر و آزادیکش کنونی علیه حزب ما انجام میگردد، نمیتواند در افکار عمومی مردم آزاده کشور ما مؤثر افتد. مردم ایران بخوبی درک میکنند که خط مشی حزب ما در جهت اتحاد کلیه نیروها و عناصر ملی و دموکراتیک، سیاستی است اصولی و پی گیر که از ماهیت انقلابی حزب ما سر چشمه گرفته و بر اساس تحلیل واقع بینانه مرحله کنونی انقلاب ایران قرار دارد و لذا نمی تواند کوچکترین مشابهتی با بند و بسته ها و توطئه های داشته باشد که جناحها و عناصر مختلفه هیتت حاکمه بنا باقتصای منافع خاص خود گاه و بی گاه علیه یکدیگر ترتیب میدهند.

با این وجود برای رفع هر گونه شبهه و ابهام دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میداند اخبار معمولی را که در مطبوعات ایران دایره به «قرار و مدار های پنهانی» حزب ما و «همکاری مجرمانه» آن با تئور بختیار انتشار یافته جداً و قویاً تکذیب کند و نیز این ادعا را که گویا حزب کمونیست عراق در این زمینه وساطت و ابدا میانی کرده است، مانند تهمت بی شرمانه ای نسبت بحزب برادر عراق که یکی از گردانهای مؤثر جنبش کارگری در خاورمیانه است افشایند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۴۸.

هر شب ستاره ای بنزمین میکشند و باز

این آسمان غمزده غرق ستاره هاست

این شعر زیبا و پر معنی یکی از شعار هائی است که امسال دانشجویان دانشگاه تهران برای گرامی داشت خاطره شهیدان ۱۶ آذر ۱۳۳۲ - شریعت رضوی، احمد قندچی، مصطفی بزرگ نیا، در تراکنهای کوچک پیش کرده اند. آنها بار دیگر و علیرغم ترور پلیسی پیوند ناگسستنی خود را با این شهیدان راه آزادی و استقلال ایران اعلام و پیمان دیرین خود را برای ادامه مبارزه در راه آرمانهای انقلابی آنان تجدید کرده اند. در تراکنه دیگری دانشجویان دانشگاه تهران مینویسند:

«دوستان دانشجویان روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ یکی از بهترین روزهای تاریخ مبارزات دانشگاهی است. در این روز در نظاهرانی که علیه ورود ریحارد نیکسون بمنظور فراهم کردن زمینه مناسب جهت عقد قرارداد های ظالمانه نفت و نیز تجدید روابط ایران و انگلیس صورت گرفت، سه تن از ارجمندترین و آزادمنش ترین دانشجویان دانشگاه تهران شریعت رضوی، احمد قندچی مصطفی بزرگ نیا در صحن دانشکده فنی دانشگاه تهران بضرط گلوله شهید شدند. روز ۱۶ آذر که در حقیقت روز تجلی روح میهن پرستی دانشجویان است از افتخارات دانشجویان مبارز بشمار میرود. اکنون که ۱۶ سال از آن روز میگذرد و فقر و تنگدستی اکثریت هموطنان ما بموازات ثروت و فساد گروهی معدود گسترشی بیشتر یافته است حقانیت دانشجویان مبارز بیشتر آشکار گشته و شهدای ۱۶ آذر بعنوان سمبل این دانشجویان ارج و احترامی بیشتر یافته اند.»

در تراکنه دیگری دانشجویان دانشگاه از جمله مینویسند:

«آزمون تاریخی ۱۶ آذر نشان داد که رزمندگان دانشگاه توانائی آنها دارند که بمنظور رهائی ایران و وفاداری به خلق ایستاده بمانند. ۱۶ آذر روز سوگندخوین دانشگاه به نبرد علیه دیکتاتوری و امپریالیسم است. دانشگاه همچنان بصورت پایگاه آزادی پا برجاست و راه آن از راه دشمنان خلق جداست. بین دانشجویان و آدمکشان رژیم کودتا خلیجی از خون آزادخواهان و میهن پرستان قرار دارد، خونی که الهام بخش ستیز آشتی ناپذیر ماست.»

در واقع وقتی دانشجویان دانشگاه تهران در تراکنهای خود از جمله مینویسند «شهیدان شانزدهم آذر با نثار خون خود راه مبارزه واقعی در راه آرمانهای انقلابی را با آموختند» فقط خاطره شهیدان فهردان خود را تجلیل نمیکند. طی سالهای پس از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه با وجود اشغال نظامی دانشگاه و سپس تسلط سازمان امنیت و علیرغم اخراج و توقیف و حبس و شکنجه دانشجویان توسط همان دژخیمان که ددمنشانه بزندگی جوانان دانشجویی شهید خاتمه دادند،

حتی يك لحظه هم نگذاشتند آن سکوت گورستان که رژیم میخواید در دانشگاه برقرار کند، تحقق یابد. حتی يك لحظه هم پرچم مبارزه ای را که سه دانشجوی شهید با خون بیگناه خود رنگین ساختند، از دست نگذاشتند و در برابر دژخیمان سرفرود نیاوردند. وقتی دانشجویان دانشگاه تهران مینویسند: «رضوی، بزرگ نیا و قندچی با خون خود شعله نهضت دانشجویی ایران را فروزان کردند. این مشعل - فروزان هرگز خاموش نخواهد شد» بدرستی واقعت مبارزه خاموش نشدنی خود را متعکس میکنند.

شهیدان ۱۶ آذر فقط درس دلاوری و جانبازی ندادند. آنها که با توده ای و یا مصدقی بودند وقتی یکصد بر سر دژخیمان بانگ زدند، وقتی دست در دست و شانه بشانه سینه های مردانه خود را در برابر جلادان سیر کردند و سرانجام وقتی که از پا درآمدند و خونشان بهم آمیخته شد، درس اتحاد - اتحاد بزرگ بر ضد دشمن مشترک و بخاطر هدف مشترک را نیز بهمه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران دادند. در دورانی که میهن پرستان و آزادیخواهان ایران درگیر مبارزهای دشوار و بفرنج و طولانی اند و در زمانی که بادهای نامساعد پراکنده گسی و اختلاف بین نیروهای ملی و مترقی نگذارد که شعله های مبارزه به آتشی عظیم و دشمن سوز بدل گردد، درس اتحاد شهیدان دانشجویان اتحادی که کلید پیروزی است، درخشان تر و عبرت انگیزتر از همیشه است.

هنگامی که دانشجویان دانشگاه تهران مینویسند «اتحاد، مبارزه، پیروزی شعار مقدس دانشجویانی است که بخاطر تحقق آرمان شهدای شانزدهم آذر پیکار میکنند» پر تو امیدی که دل ما و همه مبارزان را برای تحقق اتحاد، ادامه مبارزه و نیل به پیروزی روشن میکند، درخشان تر میگردد.

گرامی باد خاطره شهیدان ۱۶ آذر! درود پرشور ما به دانشجویان مبارز ایران! م. انوشه

زنان و دختران پیکار جوی ویتنام در اسارت شکنجه گران

در یکی از جلسات کنفرانس پاریس در ژوئیه سال ۱۹۶۹ خانم «نگوین تی بین» وزیر امور خارجه دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی اسنادی حاوی جنایات وحشیانه ای که امریکا - ثبها و حکومت دست نشانده سایگون نسبت به زنان زندانی زندان «تووک» مرتکب شده اند قرائت نمود. این سند بر اساس شهادت مجبور - سبن سابق زندان «تووک» و اقرار عده ای از سربازان دولت پویشالی سایگون تنظیم شده و افشاگر حوادث لرزا - ننده ای است که از سال ۱۹۶۰ بیه در زندان «تووک» گذشته است. اطلاع از این حوادث از یکسو از سیمای ددمنش امپریالیسم امریکا و گروه فاشیست سایگون بیش از پیش پرده برمیگردد و از سوی دیگر ایستادگی دلیرانه زنان و دختران ویتنام را در برابر فاشیستهای امریکائی و دستیاران سایگونی آنها نشان میدهد. خانم «بین» در گزارش خود چنین گفت:

از سال ۱۹۶۰ تعداد زنان میهن پرست ویتنامی که بدست ارتش سایگون بازداشت و زندانی شده اند افزایش یافته است. این زنان پیکار جوی، متحمل مجازاتهای وحشیانه ای شده اند. امریکائها و نوکران نشان در ویتنام جنوبی، برای درهم شکنستن روحیه این زندانیان و شکنجه جسمی آنها، همه گونه وسیله ای را آزموده اند و حتی عده ای از آنانرا بتعبید گاههای اعمال شاقه در «پولو - کندر» و «فو کونگ» اعزام داشته اند. در سال ۱۹۶۲ تمام زنان زندانی را اعم از متهم سیاسی و یا مجرم عادی، بزندان «تو - ووک» انتقال دادند. زندان «تووک» در ۱۲ کیلومتری شمال شهر سایگون قرار دارد. زندان «تووک» شب و روز در شکنجه گاهها و حتی در سلولها شکنجه میشوند. در آغاز سال ۱۹۶۸ تعداد زنان زندانی «تووک» به ۱۴۰۰ نفر رسید. تعداد زندان - نیانیکه بعلت شکنجه های شدید، گرسنگی و بیماری جان سیرده اند، پیوسته رو با افزایش است.

مأموران زندان همه روزه زندانیان را مجبور میکنند در برابر پرچم دولت دست نشانده ویت نام جنوبی مراسم احترام بعمل آورند و به پیکار میهن پرستانه مردم ویت نام

مأموران زندان همه روزه زندانیان را مجبور میکنند در برابر پرچم دولت دست نشانده ویت نام جنوبی مراسم احترام بعمل آورند و به پیکار میهن پرستانه مردم ویت نام

قتل بوسیله شکنجه

از ژوئیه سال ۱۹۶۸، موجی از خشونت های خون آلود همراه با زجر و شکنجه و قتل زندانیان در زندان «تووک» آغاز گردید. در دهان و چشماهای زندانیان آهک میریختند، دندانهای آنها را میشکستند و بیرون میکشیدند، صورت زندانیان را می - سوزاندند، و آنها را تا سرحد بیهوشی کتک میزدند. از جمله دندانهای زن آموزگاری را بیرون کشیدند و صورت سه تن از زنان زندانی را سوزاندند.

۱۶ اوت ۱۹۶۸ خانم «تران تی»

را باطابق شکنجه بردند او را برهنه کردند و سپس دو نفر از مأموران شکنجه یاهای زن را باز کردند تا رئیس زندان «دون نگوین» افسر ارتش ویتنام جنوبی برای شکنجه وحشیانه، باتون بکار برد. و پس از این شکنجه وحشیانه رئیس زندان به سربا - زان خود دستور داد تا بتوبت به زن تجاوز کنند.

در همان روز ده نفر از زنان زندانی را پس از مراجعت از دادگاه برای اعمال فشار به زندان دیگری منتقل کردند. زندانیان بمنظور اعتراض دست باعصاب غذا زدند و زندانیان سلول مجاور نیز که هشت نفر بودند، باعصاب پیوستند. روز ۲۱ اوت دژخیمان با قساوت و سفاکی اعصاب کنندگان را شلاق زدند.

در همان شب خانم «نگوین تی تان» و «وانگ تی ران» بر اثر جراحت وارده جان سپردند. «نگوین تی تان» ۴۲ ساله و «وانگ تیران» ۱۶ ساله بود. دژخیمان بعضی اطلاع از مرگ این دو زن مقاوم، باعجله بزندان آمدند تا آثار جنایت را از این ببرد. اما در زندان با مقاومت جمعی زندانیان روبرو شدند. زنان زندانی بانیکه بعلت اعصاب غذا و تحمل ضربه های سوزان شلاق در حال ضعف بودند، برای حفظ اجساد رفقای خود تصمیم بمقاومت گرفتند. شکنجه گران که از مقاومت زندانیان خشمگین شده بودند، «کونگ کوئه کین» را که دختری ۲۴ ساله بود جا بجا کشتند، و زن دیگری را بنام «هوئی تی نگون» تا حد فلج عمومی بدن مضروب ساختند. بقیه زندانیان کوشیدند تا بهر قیمت مانع بردن اجساد شوند تا شاید بتوانند پرده از این جنایات وحشیانه برگیرند. اما رئیس زندان دستور داد تا زنان را شکنجه دهند و مأموران زندان پس از اعمال شکنجه های سخت زندانیان را در حال اغما همراه بردند و دیگر هرگز از آنان خبری نشد. در بین آنها دختران ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۵ و ۳۰ ساله وجود داشتند این جنایت موجب شد تا ۱۴۰۰ نفر زندانی

کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان در پاسخ نامه شادباش کمیته مرکزی حزب ما، نامه ای بشرح زیر به معنای رفیق تودور ژبوکوف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و نخست وزیر جمهوری توده ای بلغارستان ارسال داشته است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران!

رفقای عزیز!

از شاد باش ها و آرزوهای نیکخواهانه شما در بیست و پنجمین سالروز انقلاب سوسیالیستی بلغارستان و از ارزیابی عالی شما در باره کامیابی هائی که مردم بلغارستان تحت رهبری حزب کمونیست بلغارستان بدست آورده اند صمیمانه از شما سپاسگزاریم.

ما اطمینان داریم که روابط دوستانه میان دو حزب ما در آینده نیز بر پایه اجزای پیگیر اصول مارکسیسم - لنینیسم و وفای به اترناسیونالیسم پرولتری بسط خواهد یافت.

تودور ژبوکوف - دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان